

رژیم حقوقی دریای خزر

دکتر علی قاسمیان*

چکیده

مقاله حاضر به بررسی وضعیت استراتژی دریای خزر با توجه به قراردادهای ۱۹۴۰-۱۹۲۱ بین ایران و شوروی، وضعیت این دریاچه بعد از فروپاشی شوروی، نظرات کشورهای تازه استقلال یافته از قبیل آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان بعد از ۱۹۹۰ می‌پردازد. از دیگر مسائل مهم مورد بحث در این مقاله پرداختن به تأکید ایران به تقسیم عادلانه براساس سهم ۲۰٪ و نظرسه کشور مذکور بخصوص آذربایجان بر تقسیم دریای خزر و همچنین دخالت آمریکا بر بین‌المللی کردن این دریاچه براساس کنوانسیون‌های حقوق دریاها ۱۹۸۲ و دریای آزاد ۱۹۵۸ می‌باشد.

مقدمه

با توجه به تغییر و تحولات نظام بین‌الملل از سال ۱۹۹۰ و از میان رفتن نظام دو قطبی با فروپاشی شوروی سابق و همچنین استقلال کشورهای آسیای میانه، هجوم شرکت‌های نفتی و بهره برداری بی حد و حصر از طلای سیاه این منطقه، آمریکا با همکاری دولت آذربایجان، این منطقه نفت خیز را به پایگاه نظامی تبدیل نموده است. جورج بوش رئیس جمهور آمریکا به بهانه حمله به عراق دو هدف را دنبال می‌کند ۱- تسلط بر انرژی خلیج فارس و دریای خزر ۲- انحراف افکار عمومی مردم آمریکا. با توجه به مشکلات اقتصادی و تنش‌های سیاسی که در درون جامعه آمریکا بخصوص بعد از ۱۱ سپتامبر شکل گرفت،

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی خرم‌آباد.

امروز آمریکا بعد از فروپاشی شوروی با انجام رزمایش‌های نظامی در منطقه با کشورهای پاکستان، افغانستان، جمهوری آذربایجان، قطر، بحرین، کویت، اسرائیل، ترکیه قدرت نظامی خود را به نمایش می‌گذارد. برپایه بیانیه وزارت دفاع آمریکا در سال ۱۹۹۱ در مجله تایم، اعلام شده است که کل هزینه جنگ برای آمریکا و متحدانش چهل و هفت میلیارد و پانصد میلیون دلار و خسارت وارده بر عراق بالغ بر صدها میلیارد دلار برآورد شده است. آمریکا در راستای کوشش‌هایش به منظور تحقق بخشیدن به نظام تازه جهانی در چارچوب نظام تک قطبی اهمیت زیادی بر کنترل مناطق برخوردار از منابع کمیاب - یعنی خلیج فارس و دریاچه خزر - قائل است و هرگونه دخالت ایران در دریای خزر مسلماً مورد پسند آمریکا نمی‌باشد. از سال ۱۹۹۰ تا امروز این ۵ کشور آسیای میانه حاشیه دریای خزر به دلیل دخالت‌های آمریکا تاکنون نتوانسته‌اند به یک نتیجه نهایی برسند.

همچنین با دخالت‌های آمریکا در امور ایران حتی در ارتباط با خطوط لوله نفت از طریق ایران به اروپا علی‌رغم اینکه مناسب‌ترین مسیر را برای انتقال نفت در کشورهای حاشیه خزر را ایران دارد و یا به طریقه معاوضه، تاکنون این اجازه را به ایران نداده‌اند.

سوابق تاریخی و موقعیت جغرافیایی دریای خزر

دریای مازندران بزرگترین دریاچه دنیا می‌باشد که فاقد راه آبی طبیعی به دریاهای آزاد جهان می‌باشد. این دریاچه در طول تاریخ اسامی متعددی داشته است. قدیمی‌ترین نام این دریاچه «هیرکانا» بوده و نام‌های دیگر آن، آبسکون، طبرستان، قزوین، دیلم، دریای گرگان، ساری و دریای خزر می‌باشند. امروزه رایج‌ترین نامی که بکار برده می‌شود دریای خزر است. طول این دریاچه ۱۲۰۵ تا ۱۲۸۰ کیلومتر، پهنای این دریاچه ۲۰۲ تا ۵۵۴ کیلومتر است. ژرفای آب این دریاچه به طور متوسط ۱۸۰ متر و عمق گودترین قسمت آن ۹۸۰ متر است که نزدیک سواحل ایران قرار دارد. دریای خزر از لحاظ ژرفا به سه منطقه مشخص تقسیم می‌شود:

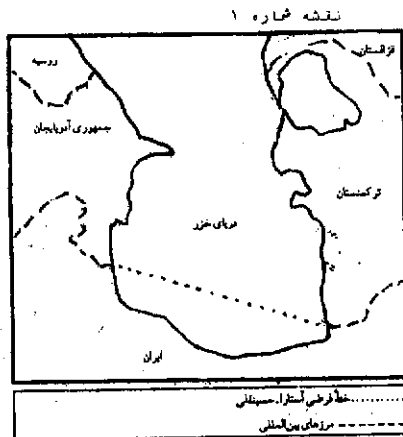
- ۱- بخش شمالی که کمترین عمق را دارد، ۵۰ متر است.
- ۲- بخش مرکزی که گودی آن در برخی نقاط تا ۸۹۰ متر می‌رسد.

۳- بخش جنوبی که شمال ایران می‌باشد و ۹۸۰ متر است. باتوجه به اینکه دریای خزر یک دریاچه بسته می‌باشد، امروزه آمریکا و کشورهای غربی در تلاش هستند که این دریاچه را به صورت بین‌المللی در آورند تا از این طریق بتوانند به ایران ضربه‌های اقتصادی و سیاسی وارد نمایند. در مشرق دریای مازندران، خلیج کم عمق و بسیار شور (قره بغاز) قرار دارد. از آنجایی که هیچ رودی به این خلیج نمی‌ریزد و سطح تبخیر آن بسیار بالا است، همیشه سطح آب آن از دریای مازندران پایین‌تر است و آب به سوی خلیج «قره بغاز» در جریان می‌باشد.

امروز سطح خلیج «قره بغاز» حدود چهار متر از سطح دریای خزر پایین‌تر است. در گذشته وضعیت این خلیج تأثیر زیادی در امر تقلیل سطح آب دریای خزر داشته است و مقامات روسی اقداماتی جهت تنظیم آب دریای مازندران با مسدود کردن دهانه خلیج «قره بغاز» به عمل آوردند. ماهیهای دریای مازندران عبارتند از: ازون برون، سفید، اردک ماهی، اس ماهی، کپور، سیم، تاس ماهی کفال، فاش، نیل ماهی، زردک، مارماهی، سوف ماهی و اسپلی می‌باشد.

وضعیت حقوقی دریای خزر

فصل یازدهم معاده ۱۹۲۱ ترتیبات قرارداد صلح ترکمنچای مورخه (۲۲ / فوریه / ۱۸۲۸) ایران را از داشتن نیروی دریای خزر، منع کرده بود و به ایران و روسیه بالسویه حق کشتیرانی که شامل کشتی‌های جنگی نیز می‌شود را، اعطا می‌کند با اینکه حقوق ایران در دریای خزر به موجب قراردادهای موجود میان ایران و شوروی سابق به رسمیت شناخته شد، اما در واقع ایران یکسره از همه حقوق خود در آن دریا محروم گردیده بود. از لحاظ نظری در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ رژیم حقوقی براساس مفهوم بهره برداری مشترک از دریا و منابع آن توسط ایران و همسایه ابر قدرتش به رسمیت شناخته بود. متأسفانه در عمل شوروی در مظان این اتهام قرار داشت که یک خط فاصل فرضی را پیشنهاد کرده است که از این سو تا آن سوی دریا آخرین نقطه مرز ایران در شمال خاوری را در خلیج حسین قلی (در مصب رود اترک) به انتهای مرز شمالی باختر ایران در آستارا متصل می‌کند.



ایران مجاز به نگهداری ناوگان و اکتشاف نفت و گاز در داخل خط فرضی نبود. سیاست شوروی مانع از آن گردید که در تمام دوران جنگ سرد ایران در دریای خزر کمترین نقشی داشته باشد. به هر حال تا پیش از سال ۱۹۹۱، ایران و اتحاد جماهیر شوروی در ارتباط با دریای خزر همانند یک دریاچه مشترک رفتار می‌کردند و در آن هر حقی برای خود قائل بودند و براساس پیمان دوستی سال ۱۹۲۱ که حقوق کشتیرانی مساوی برای طرفین در نظر گرفته بود روابط خود را پی ریزی کردند. در قرارداد تجارت و دریانوردی منعقد شده در سال ۱۹۴۰، حوزه ماهیگیری انحصاری برای هر یک از طرفین تا فاصله ده مایلی از خطوط ساحلی آنها مقرر گردیده بود. مواد ۱۲ و ۱۳ از عهد نامه ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی - که قرارداد بازرگانی و بحر پیمانی نامیده می‌شود - بر حق کشتیرانی آزاد بین هر دو کشور در کلیه نقاط دریای مازندران تأکید نموده. در نامه های ضمیمه عهد نامه ۱۹۴۰ دریای مازندران به کرات (دریای ایران و شوروی) خوانده شده است.

طرفین متعاهدین بر طبق اصولی که در عهد نامه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ بین ایران و شوروی اعلام گردیده است، موافقت دارند که در تمام دریای مازندران کشتیهایی به جز کشتیهای متعلق به ایران یا به شوروی و یا متعلق به اتباع دستگاههای بازرگانی و حمل و نقل کشوری یکی از طرفین متعاهدین که زیر پرچم ایران یا پرچم شوروی سیر نمایند، نمی‌توانند وجود داشته باشند.

در ارتباط با رژیم ماهیگیری، قرارداد ۱۹۴۰ همچنین دارای مقررات روشن و صرف نظر از یک محدوده ۱۰ مایلی از نوار ساحلی - که به طور انحصاری از لحاظ ماهیگیری به طرفین تعلق دارد - صید ماهی در سراسر دریای مازندران برای هر دو طرف آزاد است، یعنی هر دو طرف خارج از ۱۰ مایلی می‌توانند به طور مشاع استفاده کنند. طبق بند ۴ ماده ۱۲ قرارداد ۱۹۴۰ عبور مرور انواع ناوهای جنگی در دریای مازندران آزاد است ولی لازم است قبل از حرکت برای انجام مأموریت در دریای خزر از طرف مقابل اجازه بگیرند.

۲- وضعیت ژئوپولیتیک

از نظر آمریکا دریاچه خزر یکی از مناطق بسیار مهمی است که می‌تواند پاسخگوی تقاضای انرژی برای جهان باشد. در نتیجه آمریکا به دنبال این است که این منطقه استراتژیک را تحت کنترل خود در آورد. از طرف دیگر میزان ذخائر نفت در حوزه دریای خزر روی هم به حدی است که می‌توان آن را بعد از خلیج فارس و سبیری، سومین حوزه نفتی بزرگ جهان منظور نمود. قزاقستان با حدود ۵۰ میلیارد بشکه ذخائر شناخته شده نفت، غنی‌ترین کشور صاحب ذخائر نفت در منطقه می‌باشد. آذربایجان با ۷/۵ میلیارد بشکه در مقام دوم و پس از آن به ترتیب ترکمنستان، ازبکستان و روسیه قرار دارند. آقای «رادش باندی» - حقوق دان آمریکایی - می‌گوید «ایران و شوروی قصد ایجاد رژیم حاکمیت مشترک را در دریای مازندران ندارند، بلکه نظر این دو کشور این است که دست دیگران را از این منطقه دور نگاه دارند»

در همان اجلاس «گلن ریس» - که یکی از مقامات آمریکایی می‌باشد - گفته است: «تقسیم مناطق دریایی تنها راه حل منطقی و عادلانه و عملی برای روشن شدن حقوق دول حاشیه دریای مازندران است». وزیر انرژی آمریکا «هیزل اولیری» گفته است: «منابع آمریکا در دریای خزر دارای دو جنبه می‌باشد: ۱ - توسعه مشارکت در بازار عرضه ۲ - بکار گرفتن توانایی‌های فنی و مالی شرکتهای آمریکایی برای استفاده از ذخائر فرا ساحلی که در آنجا مورد نیاز می‌باشد. موضع آمریکا نشان می‌دهد که پیشنهاد فعلی روسیه برای حاکمیت مشترک بر مرکز دریای خزر برای کسانی که با منافع نفت و گاز سر و کار دارند، بی‌مورد به نظر می‌رسد.

در مورد ذخائر نفت خزر برآوردهای گوناگون به عمل آمده که از ۲۰۰ میلیارد بشکه تا

❖ ۵۰ رژیم حقوقی دریای خزر

حداقل ۳۰ تا ۴۰ میلیارد تخمین زده می‌شود و ۹۰ میلیارد بشکه رقمی است که بسیاری از شرکت‌ها در منطقه به کار می‌برند. با توجه به اینکه ایران و روسیه ۷۰٪ ذخائر گاز طبیعی را دارا هستند، می‌توان اهمیت این منطقه را در دنیای انرژی دریافت.

به همین خاطر آقای «هیزل اولیری»، وزیر انرژی آمریکا، گفته است که توسعه مشارکت در بازار در دریای خزر از دهه ۱۹۷۰ در برنامه ما بوده است. با این حال برخی از ناظران آمریکایی در امور ژئوپولیتیک ترکیبی از دو مخزن انرژی در پدربای خزر و خلیج فارس را «بیضی استراتژیک انرژی» نامیده‌اند که ایران در میان این دو مخزن قرار دارد.



آمریکا به آرامی به منطقه خزر آسیای مرکزی جنبه‌های نظامی داده است و عملاً راه را برای گسترش ناتو به سوی خاور تا به منطقه هموار می‌سازد. در همان حال آمریکا موفق شده است اسرائیل را از راه یک قرارداد همکاری نظامی با ترکیه و ترتیباتی که با جمهوری آذربایجان صورت گرفته است، از در پشتی به منطقه خزر بیاورد. این تحول راه را برای مشارکت اسرائیل در ترتیبات نظامی که ناتو ممکن است برای منطقه خزر - آسیای مرکزی

در نظر گیرد، هموار می‌کند. مقامات رسمی در آمریکا و در ناتو مکرر گفته‌اند که می‌خواهند روسیه در ترتیبات نظامی جهان با آنان همراه باشد و همچنین آقای «بلر» اعلام کرده است که منبعد در جلسات ناتو آقای پوتین را به عنوان محرم در جلسات دعوت کنند. هنگامی که رئیس جمهوری آذربایجان در روز ۲۰ فوریه ۱۹۹۹ اعلام کرد که کشورش از پایگاه نظامی ایالات متحده استقبال خواهد کرد و آماده پیوستن به ناتو است، نگرانی را در منطقه دامن زده روسیه هم متقابلاً اعلام کرد که قصد دارد یک پایگاه نظامی تازه در دریای خزر تأسیس کند که مورد اعتراض آقای هاشمی رفسنجانی قرار گرفت: «ناتو و ایالات متحده می‌بایستی بدانند که حضورشان در منطقه عامل تشنج برای خودشان و مانعی در راه استفاده از نفت خزر خواهد بود.» همچنین رئیس کمیته دفاعی دومای روسیه اخطار کرد که اقدامات آمریکا در زمینه آوردن ناتو به جمهوری آذربایجان و دریای خزر، ایران و روسیه را به همکاری‌های نظامی بیشتر تشویق خواهد کرد حتی می‌تواند به صف آرائی تازه‌ای در منطقه منجر گردد. وی گفت در چنین سرانجامی، روسیه، ایران، هند و چین می‌توانند اتحادیه‌ای نظامی برای ایجاد موازنه در برابر گسترش ناتو به منطقه به وجود آورند. این صف آرائی ژئواستراتژیک بسیار خطرناک در منطقه خزر - آسیای مرکزی خواهد بود که بی جهت از سوی ایالات متحده آمریکا تشویق می‌شود بدون آنکه دلیلی داشته باشد.

۳- شرایط جدید (۱۹۹۰)

بعد از فروپاشی شوروی سابق، دولت‌های جدید در حاشیه دریای خزر در شمال ایران ایجاد شدند که عبارتند از: قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان. سؤال اینجاست که آیا دولتهای جدید طبق اصل جانشینی دول در خصوص حقوق بین‌المللی، وارث نظام حقوقی موجود هستند یا به عبارت دیگر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تعهدات مشابهی را برای دول جدید به وجود آورده است یا خیر؟ روسیه به تعهدات سابق خود در ارتباط با مشاع بودن این دریاچه پایبند است و به دلیل اینکه یک دریاچه بسته است. نمی‌تواند بین‌المللی باشد. طبق اصول مندرج در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، استفاده از دریای مازندران تا قبل از فروپاشی شوروی به صورت مشاع بوده است. دولت روسیه در سازمان

ملل، سندی را به بخش حقوق دریاها تسلیم نمود و اعلام کرد که جمهوریهای تازه استقلال یافته به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ متعهد می‌باشند. از طرف دیگر دولت جمهوری آذربایجان می‌گوید: «با تغییر بنیادین اوضاع و احوال و آزادی عمل، دولتهای تازه استقلال یافته، در اتخاذ خط مشی مستقل می‌باشند و قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، مشروعیت ندارند و بر همین اساس مبادرت به انعقاد قراردادهایی با شرکتهای نفتی نموده است.» متأسفانه دولت‌های ترکمنستان نیز، رویه آذربایجان را دنبال کرده‌اند. همچنین با توجه به قرائن و شواهد، دولت‌های تازه استقلال یافته حاشیه دریای خزر هر کدام به طور جداگانه با شرکتهای خارجی یا به صورت دو جانبه مثل روسیه و آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، سهمی را بدون مشورت با ایران برای یکدیگر منظور نموده‌اند. طبق گفته وزیر امور خارجه ایران، آقای خرازی، ایران ضمن تأکید بر معتبر بودن قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، گفت که ایران و شوروی سابق با اینگونه تصمیمات دو جانبه به شدت مخالفت نموده و از رژیم حقوقی مشاع در دریای خزر دفاع می‌کند.

از بین ۵ کشور ساحلی دریای خزر، تنها ایران از سیاست تقسیم مساوی ۲۰٪ هر کشور از منابع این دریا حمایت می‌کند در مقابل روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان، با امضای توافق نامه‌های دو جانبه، اصل طول خط ساحلی هر کشور و خط میانه یا منصف اصلاح شده را مبنای میزان سهم‌گیری کشورهای ساحلی در خزر دانسته‌اند و ترکمنستان نیز، نشانه‌های روشنی از تمایل خود برای پیوستن به این سه کشور بروز داده است که سهم ایران از ۲۰٪ که خواهان آن است به ۱۳٪ کاهش یابد و همین امر باعث نگرانی مجلس ایران شده که اخیراً ویز امور خارجه را به مجلس شورای اسلامی احضار نموده‌اند که چرا سهم ایران را کمتر از ۲۰٪ منظور نموده‌اند، و نمایندگان سئوال کننده، از گفته‌های وزیر قانع نشده‌اند.

به نقل از روزنامه کیهان در پاسخ به تعداد ۸۴ نماینده از وزیر امور خارجه: ایشان اظهار داشته‌اند، قرار دادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مبنای رژیم حقوقی و ملی دریای خزر می‌باشد و همراه مورد تأکید ما در تمام مذاکرات بوده و در اسنادی که میان ایران و کشورهای دیگر امضاء شده، براین قراردادها معتبر تأکید شده است. همچنین آقای خرازی گفت: «ما به رژیم

رژیم حقوقی دریای خزر ❖ ۵۳

مشاع قائل بوده و در پی توافق برای بهره برداری از منابع دریای خزر هستیم ولی شاهد قراردادهای دوجانبه روسیه با قزاقستان و آذربایجان هستیم» که در حقیقت برخلاف قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ می‌باشد. دیپلماسی ایران تا کنون دیدگاههای متفاوتی را ارائه نموده است. زمانی بر تقسیم ۵٪ براساس قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و زمانی ۲۰٪ را تأکید می‌کند، در حالی که کشورهای روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان با امضاء توافق نامه هایی دو جانبه اصل طول ساحلی هر کشور و خط میانه با منصف اصلاح شده را مبنای میزان سهم‌گیری کشورهای ساحلی دریای خزر دانسته‌اند.

۱- نظر روسیه

روسیه معتقد است که دریاچه خزر یک دریاچه بسته است در نتیجه مسائل دریای خزر باید با خود کشورهای حاشیه خزر حل و فصل گردد و دولت روسیه به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تأکید می‌ورزد در صورتی که آذربایجان مخالف نظر روسیه می‌باشد.

آقای «گریگوری» در سال ۱۹۹۴ اعلام نمود که روسیه نگران اثرات زیست محیطی و هر گونه قراردادی در مورد منابع دریای خزر می‌باشد.

در مجموع می‌توان این گونه تصور کرد که چون روسیه بعد از فروپاشی با مشکلات خاص خودش از لحاظ اقتصادی و سیاست بین‌الملل مواجه می‌باشد، باید به خاطر این قبیل مصائب هم که شده به طریقی با کشورهای حاشیه خزر به توافق برسد. آقای «کالیوژنی» نماینده ویژه روسیه اخیراً به نقل از روزنامه مردم سالاری ۵ مرداد، ۸۲ در امور دریای خزر و همکاری کشورهای حاشیه خزر ابراز رضایت کرده و اختلاف نظر را یک امر عادی خواند و گفت نمی‌توان به روحیه همکاری ما که معتقدیم مشکل خزر باید به صورت دسته جمعی حل و فصل گردد، لطمه وارد ساخت.

۲- نظر ترکمنستان

با توجه به اینکه ترکمنستان کم توسعه‌ترین کشور آسیای مرکزی و قفقاز است جریان اصلاح در آن کشور کند و آرام است، رهبران ترکمنستان از اعضای فعال حزب کمونیست در زمان شوروی سابق بوده‌اند. اقتصاد ترکمنستان به فروش مواد خام مانند پنبه و فراوردهای

نفتی بستگی دارد. به گفته آقای دکتر مجتهد زاده، ترکمنستان در سال ۱۹۹۲، ۱۲ مایل را به عنوان دریای سرزمینی اعلام کرده که گویای پشتیبانی از تقسیم آبهای پیوسته به ساحل براساس نظر روسیه بوده است، درست همان طوری که آذربایجان گفته بود. به هر حال ترکمنستان به فعالیت های نفتی آذربایجان اعتراض دارد و بی پاسخ ماندن این اعتراضات از سوی آذربایجان در مورد حوزه های نفتی (کریاپاز) (سردار) در منطقه دریا موجب دلسردی ترکمنستان شده است. به همین دلیل در اکتبر ۲۰۰۰ از سازمان ملل خواست برای فیصله دادن رژیم حقوقی دریای مازندران ملاحظه نماید. «خوشکلدی بابایف» نماینده ویژه ترکمنستان نیز کوتاهترین راه برای رسیدن به توافق رژیم حقوقی خزر را تقسیم عادلانه دانست.

۳- نظر آذربایجان

دولت آذربایجان معتقد است که قرار داد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در خصوص حقوق برابر در امور دریا نوردی بوده و اشاره ای به منابع بستر و زیر بستر دریاچه مازندران نکرده و از این نظر نارسائی هایی وجود دارد. به علاوه بهره برداری از منابع فلات قاره آبهای مجاور جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۵۶ صورت گرفته و طی این مدت هیچ گونه اشاره ای به مشترک بودن منابع مورد بحث نشده و حتی در این خصوص کسانی که مدعی اعتبار قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ هستند، اعتراضی نکردند و سکوت آنها را می توان به معنای رضایت تلقی نمود. بنابراین با توجه به مراتب فوق، دولت آذربایجان مجاز است به هر نحوی که مصلحت بداند، از بستر و زیر بستر تحت قلمرو حاکمه خود - حدود ۶۰ مایلی دریایی تا مرکز دریایی ادامه دارد - بهره برداری کند و با هر دولت یا شرکتی که لازم بداند، قرارداد منعقد نماید و اجباری ندارد که فعالیت های مورد بحث را با مشارکت دیگر کشورهای ساحلی دریای خزر انجام دهد. دولت آذربایجان در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ اعلامیه آلماتا در ارتباط با وضعیت دریای خزر تشکیل شد، موافقت نمود قراردادهای فوق را محترم شمارد، لیکن استدلال باکو در مورد دریای خزر این است که باید یک دریای آزاد تلقی گردد، باکو همچنین با تعیین ۱۰ تا ۴۰ مایل منطقه اقتصادی و انحصاری برای هر یک از دولتهای ساحلی موافق است.

۴- نظر قزاقستان

وزیر خارجه قزاقستان در سال ۱۹۹۵ مدعی شد قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی سابق آبهای دریای خزر را به وسیله خط آستار- حسینقلی، بین دو کشور تقسیم کرده است. این ادعا نه تنها با توجه به قراردادهای فوق الذکر بی پایه است، بلکه پیش از این هیچ منبع رسمی شوروی چنین ادعایی را مطرح نکرده است. با وجود اینکه قزاقستان در مورد پیشنهاد روسیه مبنی بر تهدید حدود برخی از مناطق ابراز علاقه کرد و از موضوع روسیه دایر بر اینکه رژیم حقوقی در دریای خزر باید از طریق عقد قرارداد بین ۵ دولت ساحلی حل و فصل شود. پشتیبانی نموده است، در حال حاضر جمهوری آذربایجان و قزاقستان که منابع نفتی مهمی در نزدیکی سواحلشان وجود دارد از همان موضوع قبلی شوروی سابق جانبداری کرده و خواستار تقسیم بستر دریای خزر بر اساس موازین متداول در امر تهدید حدود مناطق دریایی در حقوق بین الملل دریاها می باشند.

۵- نظر ایران

دولت ایران معتقد است که قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ فیما بین ایران و شوروی سابق باید تعیین کننده وضع حقوقی دریای خزر باشد. (روزنامه مردم سالاری) ۸۱/۱۰/۱۲ وزیر امور خارجه ایران با اشاره به حساسیت دریای خزر گفت «مسئله دریای خزر، یک مسئله ملی است که دیگران نمی توانند به سادگی از آن بگذرند و حقوق ایران را نادیده بگیرند» بدون نظر ایران و خواسته های تهران، کشورهای ساحلی نمی توانند تصمیمات نهایی اتخاذ نمایند مگر اینکه نظر ایران را هم مغتنم شمارند. آقای خرازی در این زمینه به نمایندگان مجلس گفت: «علی رغم برخی نگرانیها در ارتباط با دریای خزر - که برخی از دوستان نسبت به مذاکرات مربوط به خزر اظهار می کنند - من نگرانی ندارم و معتقدم که مذاکرات تا به حال خیلی خوب پیش رفته است. پیشنهاد ایران از ۱۹۹۰ تا به حال این بوده که ۵ کشور حاشیه دریای مازندران به قراردادهای فی مابین ایران و شوروی سابق احترام بگذارند و یا اینکه اگر قرار است دریای خزر تقسیم شود، باید به صورت عادلانه باشد. به گفته آقای خرازی، وزیر امور خارجه: از نظر بسیاری از کارشناسان تیرگی روابط ایران و آمریکا از جمله دلایل ناکامی

ایران در پیشبرد دیدگاههای خود در دریای خزر محسوب می شود.

خطوط لوله نفت خزر

۱- مسیر غرب

خطوط لوله‌ای که از میدانهای آذربایجان و قزاقستان آغاز و به دریای مدیترانه و دریای سیاه منتهی می شود، به مسیرهای غرب معروف است. این مسیرها نه تنها از وابستگی به ایران و روسیه می کاهد، بلکه از محل دریافت حق عبور، درآمدی نصیب آذربایجان و گرجستان می گردد. مهمترین خطوط لوله که مورد بررسی قرار گرفته است به شرح ذیل می باشند:

- ۱- باکو - نووروسیسک: جهت احداث این خط (۱/۵ میلیارد جهت یک میلیون بشکه نفت در روز نیاز می باشد) طول این خط لوله ۱۵۰۰ کیلومتر است.
- ۲- خط باکو - سوپا: این خط لوله نیز از میدانهای نفتی باکو در آذربایجان آغاز می شود و به بندر سوپای گرجستان در کناره دریای سیاه می رسد طول این خط لوله ۹۲۰ کیلومتر است.
- ۳- باکو - جیحان: این خط لوله از باکو آغاز و با گذر از تفلیس در گرجستان یعنی عبور از سه کشور به بندر جیحان در کنار مدیترانه منتهی می گردد. طول این خط لوله ۱۷۳۰ کیلومتر است که ۴۶۵ کیلومتر در آذربایجان، ۲۵۵ کیلومتر در گرجستان و ۱۰۱۰ کیلومتر در ترکیه است.
- ۴- خط تنگیز نووروسیسک: این خط لوله از میدان نفتی تنگیز در قزاقستان آغاز و با عبور از خاک روسیه به بندر نووروسیسک در کنار دریای سیاه می پیوندد. میدان تنگیز بزرگترین میدان نفتی در جهان است که توسط شرکت آمریکایی شوروی مورد بهره برداری قرار گرفته است.

جدول هزینه انتقال یک بشکه نفت دریای خزر تا بازارهای مصرف از مسیرهای غرب

ردیف	نام مسیر	هزینه خط لوله	تعمرفه همه تولیدکنندگان	هزینه‌های بندر	قیمت FOB در بندر مبدأ	هزینه‌های نفتکش تا مدیترانه	قیمت CIF در مدیترانه
۱	باکو - نووروسیسک	۰/۶۳	۳/۵	۱/۲۵	۵/۳۸	۱/۱	۶/۴۸
۲	باکو - سوپا	۰/۱۲	۳/۸۷	۱	۵/۰۷	۱/۰۸	۶/۱۵
۳	باکو - جیحان	۰/۱۷۵	۲/۵۸	۰/۷۵	۴/۰۸	۰	۴/۰۸
۴	تنگیز - نووروسیسک	۱	۲/۱۲	۱/۱۵	۵/۱۸	۱/۱	۶/۱۸

۲- مسیر شرق

قزاقستان - چین: طول این مسیر حدود ۳۰۰ کیلومتر است که از میدانهای قزاقستان یا ترکمنستان آغاز و به بازارهای غرب چین در منطقه سین کیانگ منتهی می‌گردد.

۳- مسیر جنوب

خطوط لوله جنوبی، نفت را از میدانهای آذربایجان و قزاقستان به بازارهای خلیج فارس و دریای عمان می‌رساند. در اصل مسیر اصلی این خط از خاک ایران است که متأسفانه تمام خطوط نفتی از طریق ایران با مخالفت آمریکا رو به رو می‌باشد.

روش معاوضه

اخیراً به این نتیجه رسیده‌اند که نفت کشورهای حاشیه خزر را به ایران بفرستند برای مصرف داخلی کشور و بجای آن نفت از خلیج فارس تحویل بگیرند علیرغم اینکه قیمت دریافتی یکی نمی‌باشد ولی مسیر ایران را اقتصادی‌ترین راه حل برای حمل نفت خزر به بازارهای مصرف می‌دانند. همچنین مخاطراتی را که درگیر راههای ترانزیت وجود دارد در صورت معاوضه به حداقل می‌رساند.

در بعد اقتصادی داخلی، نفتی که جذب مسیر ایران می‌شود با صرفه جوئی در هزینه‌های پمپاژ (تلمبه زنی) از جنوب به شمال را با خود دارد. می‌تواند با دریافت حق معاوضه و عبور، بردرآمد ارزی خود بیفزاید.

اگر چه پس از فروپاشی شوروی اهمیت ایران به عنوان یکی از مهره‌های اصلی منطقه بیش از پیش شناخته شده است ولی بی بهره بودن کشورهای تازه استقلال یافته در حاشیه دریای خزر از مدیریت کار موجبات نفوذ قدرتهای فرامنطقه‌ای را فراهم ساخته است.

نتیجه‌گیری

- ۱- مشکلات دریای مازندران باید توسط ۵ کشور ساحلی حل و فصل شود.
- ۲- هرگونه تصمیم به تنهایی و یا دخالت بیگانگان در ارتباط با رژیم حقوقی دریای خزر با

شکست مواجه خواهد شد.

۳- لازم است جهت جلوگیری از دخالت دیگر کشورها تا مشخص شدن وضعیت این دریاچه به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ احترام بگذرانند چراکه هرگونه تغییری در رژیم حقوقی دریای خزر رضایت ۵ کشور حاشیه‌ای ضروری می‌باشد. حتی چنانچه قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ترکمنستان قراردادهای دو جانبه و یا چند جانبه نفتی بدون حضور ایران منعقد نمایند مورد قبول ما نخواهد بود.

۴- و یا چنانچه قرار بر این باشد دریای خزر از حالت مشاع خارج گردد و قرار بر تقسیم دریای خزر باشد باید به گونه‌ای باشد که هر ۵ کشور بتوانند از سهم ۲۰٪ خود بهره‌مند گردد و چنانچه سهم ایران از این مقدار کمتر باشد آنگونه که این روزها زمزمه‌هایی به گوش می‌رسد یعنی سهم ایران از ۲۰٪ به ۱۳٪ تقلیل یابد نه مجلس اسلامی و نه ملت بزرگ ایران این بی‌عدالتی را نخواهند پذیرفت.

۵- خلاصه اینکه باید یک رژیم حقوقی واحد بر دریای مازندران حاکم باشد و این مورد هم میسر نخواهد شد مگر براساس اتفاق آراء ۵ کشور ساحلی به منظور حفظ امنیت کشورهای ساحلی و همچنین رعایت اصول مشترک مساعی کامل با کشورهای کرانه‌ای به دور از هرگونه اعمال که موجب خشونت در روابط کشورهای ساحلی را فراهم سازد.

۶- امید است که جمهوری اسلامی ایران، پیش از آنکه فرصت‌ها از دست رود متوجه گردد که بیش از این نباید به ادامه یافتن وضع کنونی در رابطه با منافع ملی کشور در آن منطقه رضایت دهد. به نظر نمی‌رسد که تهران با وجود علاقه و تلاش فراوان، هنوز استراتژی به حداکثر رساندن امتیازات جغرافیایی موقعیت بی‌مانند کشور میان دوانبار نفت جهان - خلیج فارس و دریای خزر - را تنظیم و برنامه ریزی کرده باشد.

در میان جنجال‌های ضدایرانی که از سوی برخی منابع منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای پیگیری می‌شود، ارزش موقعیت و نقش ایران در توسعه اقتصادی و پیشرفت مناطق قفقاز، خزر و آسیای مرکزی سرانجام باید به گونه‌ای خود را نشان دهد.

منابع و مأخذ

- ۱- آقایی بهمن، رژیم حقوقی دریای مازندران، مجله حقوقی - دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی - شماره ۸ بهار - تابستان ۱۳۶۶.
- ۲- آقایی بهمن، حقوق بین‌المللی دریاها (مجموعه مقالات) صفحه ۹.
- ۳- همان منبع صفحه ۱۰.
- ۴- همان منبع صفحه ۱۱.
- ۵- ممتاز، جمشید - ایران و حقوق بین‌الملل صفحه ۱۸۴.
- ۶- اطلاعات سیاسی، اقتصادی - شماره (۱۶۱-۱۶۲) صفحه ۷۳.
- ۷- همان منبع صفحه ۷۶.
- ۸- همان منبع صفحه ۷۷.
- ۹- اطلاعات سیاسی، اقتصادی - شماره (۱۵۵-۱۵۶) صفحه ۱۹.
- ۱۰- آقایی بهمن مجموعه مقالات (حقوق بین‌الملل دریاها و مسائل ایران) صفحه ۱۵.
- ۱۱- همان منبع صفحه ۱۶.
- ۱۲- همان منبع صفحه ۱۶.
- 13- Bakhor: Voенno - morskoi Spravochnik, p: 258 .
- Borabolia : Voенno- morskoi spr - vochnik , p : 325 .
- 14- William R. Butter The Soviet Union and Ibid , P : 103 .
- ۱۵- مجله اقتصادی - سیاسی، شماره (۱۶۱-۱۶۲) صفحه ۷۷.
- ۱۶- آقایی بهمن حقوق بین‌الملل دریاها و مسائل ایران صفحه ۲۵.
- ۱۷- میدال ایست اکتبر ۱۹۹۴، ص اول، اپان، ۷۳، شماره، صفحه ۴۳.
- 18- Tehran . Times - Feb . 26, 1995. P: 3.
- 19 - Ibid
- ۲۰- آقایی بهمن، مجموعه مقالات (حقوق بین‌الملل دریاها و مسائل ایران)
- International Herald Tridune , May. 22. 1995. P. 5.
- ۲۱- مجله اقتصادی، سیاسی شماره (۱۶۱-۱۶۲) نوشته مجتهد زاده صفحه ۷۷.
- ۲۲- همان منبع.
- ۲۳- «طالبان، ایران و کمربندی استراتژیک آمریکا» مصاحبه با دکتر پرویز مجتهد زاده ماهنامه، فکرنو، تهران، سال ۱ شماره ۲ بهمن ۱۳۷۷.
- ۲۴- پیروز، دکتر مجتهد زاده، مصاحبه با بخش فارسی رادیو بین‌المللی فرانسه، چهارشنبه ۲۰ ژانویه ۱۹۹۹.

- 25- Warning to Azerbaijan . The Echoofiran Vol. XXXXVII,
NO. 126. Tehran and london. February 15- March . 15/1999 , P, 5.
- 26- Russian official / Tehran times Feb. 26 . 1995 . p .3
- 27- Ibid.
- ۲۸- ماهنامه جامعه سالم - مصاحبه با دکتر جمشید ممتاز، سال چهارم - شماره ۱۸ - دی ماه ۱۳۷۳، ص ۲-۲۲.
- ۲۹- روزنامه مردم سالاری - ۸۱/۱۰/۱۲.
- ۳۰- همان منبع.
- ۳۱- کیهان ۸۱/۱۰/۱۰.
- ۳۲- همان منبع.
- ۳۳- روزنامه صدای عدالت ۸۱/۱۰/۱۱.
- 34- Geoffrey kemp . op. cit . p. 28
- 35- Ruters European Business Report / 23 sept . 1994
- ۳۶- مجله سیاسی، اقتصادی به شماره (۱۷۵-۱۷۶) ص ۹
- 37- Ahmad Rashid . The Resurgence of central Asia / Londin Zed books , 1994 . pp -
187-188.
- ۳۸- مجله اقتصادی - سیاسی شماره ۱۶۲-۱۶۱ - صفحه ۸۳.
- ۳۹- فصلنامه خاورمیانه - شماره ۳، صفحه ۶۶۶ (به قلم دکتر باوند)
- ۴۰- همان منبع.
- 41- Ettelaat Internationa No . 200/ Monday / 27/ 18/ UN. Dec . A/ 49/
October 5 / 1994.
- 42- Vyacheslov . Gizzatov / The legal status of the caspian sen in Gentral Asia Uarterly
labyrinth summer 1995.
- ۴۳- مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۱۶۲-۱۶۱ صفحه ۸۳ (دکتر مجتهد زاده)
- ۴۴- ایران و حقوق بین الملل، ممتاز جمشید صفحه ۲۹۰.
- ۴۵- اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۱۵۶-۱۵۵ ص. ۳۱-۳۰.
- ۴۶- همان منبع، صفحه ۳۱.
- ۴۷- همان منبع، صفحه ۳۱.